



گفت‌وگوی صبا با محمد اسدی، کارگردان فیلم کوتاه «شیزو»

عبور از مرز واقعیت و توهم در ذهن انسان

فیلم کوتاه «شیزو» که در ژانر سایکودرام ساخته شده، مخاطب را به تجربه ذهنی شخصیت‌هایی با اختلال اسکیزوفرنی می‌برد. محمد اسدی، کارگردان فیلم، در گفت‌وگو با ما از چالش‌های پرداخت به روان شخصیت‌ها، انتخاب بازیگران، استفاده از موسیقی و صدا برای ایجاد حس بی‌ثباتی و تکنیک‌های تصویری برای بازنمایی ناپایداری روانی می‌گوید. او همچنین درباره آزادی خلاقانه‌ای که حضور در بخش «استعداد نو» جشنواره فیلم کوتاه تهران به او داد و ظرفیت سینمای کوتاه ایران برای روایت‌های روان‌شناختی پیچیده توضیح می‌دهد.

معصومه دهقان

گفت‌وگو



از مخاطب ایرانی تجربه فیلم‌های مشابه را دارد. فیلم چندلایه است و تماشاگر باید با دقت تفسیر کند تا به نتیجه شخصی برسد.

تاثیر «شیزو» بر مسیر حرفه‌ای شما؟

این تجربه به من کمک کرد سبک شخصی خود را پیدا کنم و نشان داد که امکان روایت روان‌شناختی پیچیده در سینمای کوتاه ایران وجود دارد.

آیا نکته‌ای در تدوین یا پس‌تولید تغییر کرده است؟

بله، برخی فرضیات اولیه در فیلمنامه در مرحله تدوین شکل متفاوتی گرفت، به خصوص در ریتم و ترکیب‌بندی تصویر و صدا که تاثیرگذارتر از حد انتظار شد.

ظرفیت سینمای کوتاه ایران برای روایت روان‌شناختی؟

سینمای کوتاه ایران ظرفیت دارد، اما نیاز به حمایت و ساختارهای حمایتی قوی‌تر دارد تا این نوع آثار دیده و پشتیبانی شوند.

مهم‌ترین عنصر در خلق فضا و حس فیلم؟

همه عناصر مهم بودند، اما اولویت با روایت و درگیر کردن عواطف مخاطب بود، در حالی که زبان سینمایی تصویر و صدا در خدمت این هدف قرار گرفتند.

صحبت پایانی:

از روزنامه صبا و همه کسانی که از فیلم‌های کوتاه حمایت می‌کنند تشکر می‌کنم. امیدوارم در جشنواره‌های آینده باز هم بتوانم در خدمت مخاطبان باشم و آثارم مورد توجه قرار گیرد.

و تنش را ایجاد کردیم و به سبک خود رسیدیم، بدون نیاز به اکستریم کلوزآپ یا تکنیک‌های اغراق‌شده.

در طراحی صدا و موسیقی تا چه حد برای تقویت حس اختلال روانی از آن‌ها استفاده کردید؟

موسیقی حدود ۵۰ درصد فیلم را شامل می‌شود و با پیشروی داستان به نقطه اوج خود می‌رسد. صداهای محیطی، افکت‌ها و موسیقی مکمل هم بودند تا حس اختلال و بی‌ثباتی روانی منتقل شود. همکاری با رزا حیدری در صداگذاری بسیار کمک‌کننده بود.

آیا در تدوین لحظاتی داشتید که ریتم روایت روان شخصیت را بازتاب دهد؟

بله، بخش‌هایی از فیلم مانند سکانس پایانی بالانگ‌شات و بدون کات طراحی شد تا ریتم ذهنی شخصیت و کشش احساسی مخاطب منعکس شود. البته تلاش کردیم این‌ها بدون علت صرف و نمایشی باشد.

در انتخاب بازیگران و هدایت آن‌ها چه معیارهایی داشتید؟

شیش بازیگر اصلی داشتیم، سه نفر نقش اصلی و سه نفر فرعی. برای نمایش تضادهای روانی و واکنش‌ها، بازیگران باید توانایی نشان دادن درونیات شخصیت را داشته باشند. تمرین‌های زیادی با آن‌ها انجام شد تا اجرا به بازنمایی ذهنی شخصیت‌ها تبدیل شود، نه صرفاً نمایش رفتار آسیب‌دیده.

از تمرین‌های روان‌شناختی یا بدنی استفاده کردید؟

بله، تمرین‌هایی برای تجربه ترس، استرس و توهم داشتیم. حتی برخی تمرین‌ها به گونه‌ای بود که بازیگران نمی‌دانستند واقعیت است یا توهم، تا تجربه واقعی ذهنی شخصیت‌ها در بدن و حرکت آن‌ها ظاهر شود.

حضور در بخش «استعداد نو» چقدر به آزادی خلاقانه شما کمک کرد؟

این بخش آزادی بیشتری به ما داد تا روایت روان‌شناختی را بدون هراس از چارچوب‌های استاندارد بسازیم و جسورانه فرم و محتوا را تجربه کنیم.

چگونه پیچیدگی روانی شخصیت‌ها را در ۱۰-۲۰ دقیقه منتقل کردید؟

با حفظ ریتم درونی فیلم و محدود کردن پلان‌ها و کات‌ها، داستان در ۲۰ دقیقه و سپس نسخه نهایی ۱۷ دقیقه‌ای، بدون شتاب‌زدگی روایت شد.

ملاحظات درباره مخاطب ایرانی و ژانر سایکودرام؟

با وجود کمتر شناخته‌شدن ژانر، بخش‌هایی

فیلم «شیزو» در ژانر سایکودرام قرار می‌گیرد و به نوعی اختلال روانی اشاره دارد. شما از چه نقطه‌ای به این موضوع پرداختید و چرا این فرم دراماتیک روان‌شناختی برایتان اهمیت داشت؟

ما قصد داشتیم اسم فیلم «شیزو» باشد و به اختلال اسکیزوفرنی اشاره کنیم، برای جزئیات بیماری و مشخصات آن، به کتاب مرجع DSM-5 مراجعه کردیم و با مشاور خودمان برداشت‌های لازم را انجام دادیم. انتخاب فرم سایکودرام به این دلیل بود که امکان ورود به ذهن شخصیت و تجربه روانی او را فراهم کند و بتوانیم مرزهای واقعیت و توهم را به گونه‌ای نمایش دهیم که تماشاگر خودش درگیر چالش ذهنی شخصیت شود.

عنوان «شیزو» چه بار معنایی برای شما دارد؟ آیا مستقیم به اختلال روانی اشاره دارد یا استعاره‌ای گسترده‌تر است؟

«شیزو» اشاره مستقیمی به اسکیزوفرنی دارد، اما در عین حال به عنوان یک استعاره، نشان‌دهنده تضاد درونی، دوگانگی و مرزهای کمرنگ بین واقعیت و توهم در ذهن شخصیت‌هاست.

در «شیزو» چگونه بین تجربه ذهنی شخصیت و روایت بیرونی اتفاقات تعادل برقرار کردید؟

تلاش کردیم مرز بین واقعیت و توهم کمرنگ باشد، اما قابل پذیرش برای مخاطب. این طراحی به گونه‌ای بود که او بتواند خودش تشخیص دهد چه چیزی واقعی است و چه توهم. در سکانس پایانی، این مرز به اوج خود می‌رسد و هم‌زن و هم‌شوهر صحنه‌های توهمی را تجربه می‌کنند، اما تشخیص واقعیت را به مخاطب واگذار کردیم.

چطور مرز بین توهم و واقعیت را در فیلمنامه طراحی کردید تا تماشاگر در فضای ذهنی شخصیت‌ها باشد؟

طراحی اولیه فیلم‌نامه به گونه‌ای بود که مرزها مبهم باشند، اما مخاطب بتواند به آن ورود کند و چالش‌های ذهنی شخصیت‌ها را تجربه کند. این مبهم بودن به شکل‌گیری حس عدم قطعیت و همزادپنداری در ذهن مخاطب کمک می‌کند.

چه تکنیک‌های تصویری برای نمایش ناپایداری روانی و تجربه درونی استفاده کردید؟

از وام‌هایی که از آثار کلاسیک روان‌شناختی گرفتیم، استفاده کردم. دوربین عمده ثابت و استاتیک بود و از کات‌های سریع پرهیز کردیم تا تمرکز مخاطب روی روایت حفظ شود. با ترکیب‌بندی و نورپردازی، فضا سازی

